﴿ بسمه تعالی ﴾

**مقدمه**

جوامع انسانی در شکل کنونی خود دارای سازمانهای متنوع ، اجتماعی ، فرهنگی و آموزشی هستند که هر کدام بطور مستقل و در ارتباط با یکدیگراقدام به برآوردن نیازهای این جوامع می نمایند.

بی شک یکی از گسترده ترین و مهمترین این سازمانها ، آموزش وپرورش است . آموزش وپرورش نقش برجسته و حساس در تربیت نسل جدید به عهده دارد.

مدرسه به عنوان جایگاه اصلی و مرکز فرآیندهای یاد دهی - یادگیری و معلم و دانش آموز به عنوان محور اصلی آموزش از جایگاهی ویژه بر خوردارند ؛ بطوری که دقت وتعمق در مورد هر یک از عناصر مذکور و پرداختن به زوایای کمتر شناخته شده و مبهم نظام آموزشی می تواند کمکی هرجند ناچیز ، در جهت بهبود تعلیم و تربیت باشد ، عمده ترین فعالیتهای آموزشی در کلاس درس و توسط معلم صورت می پذیرد. شکل دادن به هر عمل و فرایندی در کلاس درس ، مستلزم وجود روشهای ویژه آن عمل است که استفاده از آن روشها راه را برای رسیدن به اهداف مورد نظر هموار می سازد . عمل آموزشی و یاد دهی معلم در کلاس درس نیز که از اصلی ترین راهها برای آموزش به دانش آموزان است ، دارای شرایط و روشهای مخصوص به خود می باشد که انتقال تجارب و دانش به فراگیران و ترتیب دادن فرصتهای یادگیری برای آن ها می تواند بر پایه آن قرار گیرد.

**قوانین موثر در یادگیری**

قوانین شناخته شده ای در رایطه با یادگیری وجود دارند که به کارگیری آنها در بهبود کیفیت و تسریع یادگیری اثر می گذارند . با استفاده از این عوامل و شرایط می توان تجربه های یادگیری را برای فراگیران موثرتر و لذتبخش تر نمود . برخی از این عوامل و شرایط عبارتند از:

**1.** آمادگی: به موجب این قانون یاد گیرنده باید از حیث جسمی ، عاطفی ، ذهنی و عقلی به اندازه کافی رشد کرده باشد تا بتواند آموختنی های معینی را فرا گیرد . به عنوان مثال : آموختن رنگها تا قبل از چهارسالگی برای کودک دشوار است و با فرگرفتن مفاهیم مجرد در سنین کمتر از یازده سال به آسانی صورت نمی گیرد.

**2.** اثر: انسانها میل دارند تجاربی که مطلوب و رضایتبخش هستند بپذیرند و تکرار کنند و آز آنهایی که اثر ناخوشایند دارند اجتناب ورزند . در امر آموزش مهمترین عاملی که موجب رضایت خاطر دانش آموز می شود فهمیدن ویاد گرفتن درس است ، زیرا یادگیری درس علاوه براین که بطور مستقیم وی را خشنود میسازد چون موفقیت او در درسی که یاد گرفته است ، تحسین معلم ، همکلاسیها و افراد خانواده را به همراه دارد بطور غیر مستقیم تشویق می شود تا بهتر وبیشتر یاد بگیرد .از این رو معلم باید دانش آموزان را یاری دهد تا از هر فعالیت یاد گیری، نوعی رضایت شخصی احساس کنند و درسها را با میل ورغبت یاد گیرند.

**3.** تمرین : تمرین و تکرار در یادگیری و دوام آن تاثیر فراوان دارد ، زیرا هر قدر انجام عملی بیشتر تکرار شود ، آن عمل زودتر به صورت مهارت و عادت در می آید و در اثر تکرار درست ، تبحر ایجاد میشود . تمرین غلط تبحر غلط ایجاد میکند و ترک عادت نادرست دشوار است . به عنوان مثال اگر دانش آموزی در کلاس اول ابتدایی نوشتن اعداد را از سمت راست تمرین کند و معلم او را به موقع راهنمایی نکند ، ترک این عادت برای او مشکل میشود .

**4.** تقدم: معمولا نخستین خاطرات کلاس درس بیشتر در ذهن باقی می مانند به همین جهت در اوایل سال تحصیلی و در نخستین روز تشکیل کلاس باید رفتار وبر خورد معلم با دانش آموزان صحیح و منطقی باشد . به ویژه که در اغلب موارد دانش آموزان با معلمان جدید روبرو می شوند و چون به کلاس بالاتری رفته اند و با درسهای تازه هم آشنا نیستند . ممکن است این عوامل در آنها تولید نگرانی و اضطراب کند . از این رو لازم است که در جلسات اولیه ، اعتماد آنان جلب شود و اطمینان حاصل کنند که یادگیری درس برایشان مفید و آسان است .

**5.** شدت: یک واقعه ای مهیج وجذاب ، بیشتر از واقعه ای عادی و کسل کننده در ذهن باقی می ماند . به همین دلیل درسهای آن عده از معلمینی که با حالتی باروح و مهیج تدریس می کنند ، بیشتر جلب توجه می کند و در خاطر می ماند . البته منظور این نیست که کلاس درس به سیرک یا تماشاخانه تبدیل شود بلکه هدف آن است که معلم با آوردن مثالها و نمونه های زنده و استفاده از تکنولوژی آموزشی و به فعالیت واداشتن دانش آموزان حالتی پر تحرک و جذاب در کلاس ایجاد کند.

**6.** عدم کاربرد: مهارت و دانشی که بکار کرفته نشود ، به تدریج و به میزان زیادی فراموش خواهد شد . به موجب این قانون معلم باید موقعیتهایی تدارک بیند تا دانش آموزان بتوانند آموخته های خود را بکار گیرند.

**3**   **شرایط موثر در یادگیری**

**1.** انگیزه یاد گیری : بهترین عاملی که انگیزه شاگرد را به ادامه فعالیتهای یادگیری تقویت میکند آن است که درس را خوب بفهمد شاگردی که درس را می فهمد از عهده امتحانات مختلف به خوبی بر می آید . مورد تشویق معلم وهمکلاسان خود قرار می گیرد و همین امر انگیزه اورا تقویت می کند . بطور کلی هر گونه رفتار تشویق آمیز از سوی معلم و فعلیتهایی که به موقعیت و ÷یشرفت دانش آموز منتهی شود ، انگیزه او را تقویت می کند.

**2.** آگاهی از ناکافی بودن دانش و مهارتهای کنونی : شاگرد باید از ناکافی بودن دانش و مهارتهای فعلی خود آگاه گردد، تجربه نشان داده است که اانسان معمولا هنگامی که ضرورت یاد گیری دانش یا مهارت جدیدی را تشخیص می دهد ، با میل و رغبت آن را می پذیرد . کودکی که وارد کلاس اول ابتدایی می شود، باید بداند برای اینکه بتواند اسم خود را بنویسد باید نخست خواندن و نوشتن حروف را فرا گیرد ، بنابراین معلم باید شاگرد را با مسائل و موقعیتهای تازه و ضرورت آموختن آنها مواجه کند تا وی از نا کافی بودن معلومات فعلی خویش آگاه شود.

**3.** داشتن تصور روشن از دانش و مهارتهایی که باید کسب شوند : اگر شاگرد بداند که یادگیری جدید او به چه دانش ومهارتهایی منتهی می شود، امر یادگیری برای او هدفدارتر می شود ، در اینجاست که نقش هدفهای رفتاری ظاهر می گردد. در این رابطه ، معلم باید هدفهای رفتاری هر درس را با دقت بیان کند و شاگردان را از تغییراتی که در اثر آموختن در دانش و مهارت آنان حاصل می شود آگاه گرداند .

**4.** دانشتن فرصت کافی برای تمرین : بدیهی است هر تمرین ومهارتی به تمرین نیاز دارد . از این رو معلم باید برای تمرین ، شرایط مناسب و زمان کافی در نظر گیرد . البته باید توجه داشت که تمرینها و تکالیف زیاد هم موجب خستگی شاگرد می شود .

**5.** آگاهی از پیشرفت : این بدان معنی است که معلم باید دائما شاگرد را ازمیزان پیشرفت او در درس مطلع گرداند . تجربه نشان داده است که آگاهی از نتایج مثبت کار در حین یاد گیری ، در بهبود و پیشرفت شاگرد اثر مثبت دارد زیرا شاگرد هنگامی که احساس کند در حال ÷یشرفت است برای ادامه یادگیری شوق وانگیزه بیشتری می یابد.

**6.** داشتن وسایل و منابع مناسب برای یادگیری : هر درسی بنا به ماهیت خود دارای وسایل و منابعی است که استفاده از آنها آموختن آن درس را تسهیل می کند. مانند نقشه ، کره جغرافیا که به آموختن درس جغرافیا کمک می کند و یا وسایل آزمایشگاهی موجب می شود که درسهای علوم تجربی بهتر آموخته شوند.

**3**   **موانع یادگیری**

در مقابل قوانینی که به یاد گیری کمک می کنند عواملی نیز وجود دارند که ممکن است مانع یاد گیری شوند .

**1.** کسل کنندگی : ممکن است یادگیری برای دانش آموزان خیلی آسان و یا فوق العاده دشوار باشد و یا ممکن است معلم در برانگیختن علاقه دانش آموزان و یا جلب توجه آنان کوتاهی کند و یا درست مطالب را تفهیم نکند در جنین مواردی امر یاد گیری برای شاگردان کسل کننده می شود.

**2.** پیچیدگی : ممکن است معلم با ارائه مطالب زیاد و پیچیده ، کار یادگیری را برای دانش آموزان دشوار سازد . گفته های متناقض و ارتباط ندادن مطالب به یکدیگر نیز ممکن است مشکل آفرین شود .

**3.** آزردگی : رفتار رنجش آور معلم ، روابط نامطلوب ، بی نظمی ، دیرآمدن به کلاس و غیره نیز از جمله عواملی هستند که دانش آموزان را آزرده خاطر می سازندذ.

**4.** تنش های عاطفی بین کودک و یکی از والدین : تنش های عاطفی بین کودک ویکی از والدین ممکن است حس بی اعتمادی در کودک ایجاد کند که از پیشرفت یادگیری بکاهد . عامل این تنش از طرف والدین می تواند تحمیل بیش از حد به کودک یا تاثیر استرس های محیط بر خود والدین باشد . از طرف کودک هم ممکن است لجبازی و غرور موجب این تنش شود. برای شناسایی این وضعیت پدر ومادر باید همیشه رفتارهای خود را باز نگری نموده و اشتباهات خود را شناسایی و اصلاح نمایند. در صورت لزوم حداقل برلای مدت کوتاه و موقت شخص دیگری را پیدا کنند که کودک بتواند به او اعتماد کند و مشکلات خود را به او بگوید. این شخص می تواند خواهر یا برادر بزرگتر یا یک دوست خانوادگی باشد. تشابه موضوعهای درس هم می تواند یک مانع یادگیری باشد این مشکل هنگامی پیش می آید که دو موضوع مشابه پشت سر هم به کودک آموزش داده شوند و کودک محتوا و مطالب این دو موضوع را باهم قاطی کند یابه اصطلاح مطالب دروس باهم تداخل پیدا کنند. برای مثال دانش آموزان کلاس اول ابتدایی هنگام یاد گرفتن حروف الفبا ممکن است حروف ج،چ،ح،خ را باهم اشتباه کنند . در درس ریاضی هم ممکن است علامت جمع و تفریق را با هم اشتباه کنند، زیرا این علائم از نظر کودک باهم شبیه هستند گر چه قواعد عمل آنها کاملاً باهم متفاوت است ، بنابراین در شروع کار نباید تمرین های جمع وتفریق را با هم و در کنار هم به کودک داد.

فعالیتهای کودک هنگام استراحت در بین درس دادن خواندن بسیار حائز اهمیت است اگر استراحت کوتاه با تفریح خیلی سرگرم کننده و لذت بخش همراه باشد این خطر وجود دارد که کودک نتواند بعد از استراحت به موقع تمرکز لازم را برای ادامه یادگیری بدست آورد .

استرس ناشی از کم آوردن وقت شوق یاد گیری را از بین میبرد ؛ به کودک فرصت کافی برای فکر کردن بدهید. موفقیت در حل هر مسئله انگیزه یادگیری را تقویت می کند ، زیاد عجله نکنید و مدام را ه حل تمرینات را به کودک نگوئید ، در صورت لزوم با طرح سئوالات ماهرانه سعی کنید کودک را به سمت راه حل مسئله هدایت کنید.

**5.** سایر موانع: ترس از شکست ، نگرانی از مسخره شدن ،آزار دیدن و غیره ، موانع عمومی یادگیری محسوب می شوند ؛ برای رفع موانع ترس فرصتهایی فراهم سازید تا موفقیت افراد در یادگیری آسان شود.

**3**   **ارائه یکی از روشهای یاد گیری**

یاد گیری مشارکتی چه چیزهایی را ارائه می دهد ؟

یادگیری مشارکتی بروابستگی متقابل تاکید می کند و یک سری از ساختارهای اساسی را برای اطمینان حاصل کردن از موفقیتش دنبال می کند. در یادگیری مشارکتی یک باور وجود دارد مبنی بر آنکه : "ما در این کار با یکدیگر هستیم " که معمولاً در کا گروهی ساده وجود ندارد . معلمانی که از یادگیری مشارکتی به طور هدفمند استفاده می کنند ، ساختارهایی را ایجاد می کنند که از وجود همکاری صحیح در کلاس اطمینان می دهد .

در بیشتر کلاسها ی درس ، سه صفحه یادگیری وجود دارد . اولین آنها یادگیری رقابتی است . در صحنه رقابتی ، فرض بر این است که برنده وبازنده هایی وجود خواهند داشت .

در این صحنه ،دانش آموزان مقابل یکدیگر کار می کنند تا به اهدافی نایل شوند که تنها تعداد محدود می توانند به آن دست یابند . دانش آموزان تنها در صورتی که بقیه شکست بخورند ریال موفق خواهند شد . این مسئله این مسئله وابستگی متقابل منفی نامیده می شود.

دومین صحنه ، صحنه فرد گرایی است . در صحنه فردگرایی اصل اساسی این است که ما با خودمان به رقابت می پردازیم . دانش آمزان معمولاً در جهت معیار مشخصی مانند نمره در حال فعالیت هستند . آنها در حال تلاش برای کسب نمره و یا رضایت خودشان هستند. زمانی که اهداف فردی در کلاس تعیین گردد. این که آیا دانش آموزی به هدف خود دست می یابد یا نه ریا، به عملکرد دانش آموز دیگر ارتباطی ندارد . در این صحنه وابستگی متقابلی وجود ندارد ، زیرا دانش آموزان در می یابند که خود به تنهایی در موقعیت یادگیری قرار دارند و موفقیت آنها به موفقیت و یا شکست دیگر دانش آموزان بستگی ندارد و نیز بر روی موفقیت و شکست آنها تاثیر نمی گذارد.

سومین صحنه ، یاد گیری مشارکتی است ، در صحنه یادگیری مشارکتی ، اصل اساسی و زیر بنایی این است که ما در این کار با یکدیگر هستیم ، ما به یکدیگر کمک می کنیم تا به موفقیت دست یا بیم . در دروسی که دانش آموزان با یکدیگر کار می کنند و به یکدیگر کمک می رسانند تا به اهداف مشارکتی نایل شوند در میان این دانش آموزان وابستگی متقابل مثبت وجود دارد . آنها در می یابند که اگر هر شخصی در گروه در جهت اهداف یکسانی به فعالیت بپردازد می توانند به نحوی موثرتر و مفیدتر به آن اهداف دست یابند.

کلاسهای درس باید هر سه روش یادگیری را در بر داشته باشند ، با پیدایش تحقیقات در مورد یاد گیری سازگار مغزی و هوش عاطفی ، اهمیت لحاظ کردن یادگیری مشارکتی در صدر قرار گرفته است در یادگیری مشارکتی نقش معلم این است که با گروه ها ارتباط و تعامل داشته و بازخوردی در مورد این که آنها چگونه در مورد مهارتهای اجتماعی و آموزش عمل می کنند را ارائه دهد.

**3**   **نتیجه**

نتیجه بعمل آمده نشان می دهد استفاده از قوانین و شرایطی مناسب در یادگیری ، در بهبود کیفیت و تسریع یاد گیری اثر می گذارد .

با استفاده از این قوانین و شرایط می توان تجربه های یاد گیری را برای دانش آموزان موثر تر و لذتبخش نمود . یادگیری مشارکتی هم می تولند به عنوان راهبردی آموزشی ، دانش آموزان را قادر سازد تا بطور گروهی و مشترک در گروههای ناهمگون ساختار بندی شده در جایی که هر یک بطور انفرادی مسئول پاسخگو به حساب می آیند در جهت یک هدف مشترک به کار بپردازند.

**3**   **منابع و ماخذ**

صفوی ، امان ا..... ، کلیات روشها و فنون تدریس ، تهران : نشر معاصر، 1387

تایلستون ، دونا واکر ، آنجه یک معلم باید بداند ، قم ، سماء قلم ، 1384

تایلسون ، دونا واکر، مدیریت و انضباط کلاس درس ، شیراز : نوید شیراز، 1385

گلیکمن ، کارل ، رهبری آموزشی برای یادگیری موثر ، تهران : نشر قطره ، 1385

کولب ، کلاوس ، یادگیری آسان با تفکر و تفریح ، تهران : پیدایش ، 1386